

عنوان مقاله:

بررسی و تحلیل دلیل کشتن داریوش سوم هخامنشی (براساس نظریه فرهنگی میشل فوکو)

محل انتشار:

دوفصلنامه مطالعات ایرانی، دوره 23، شماره 45 (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسنده:

کریم گلشنی راد - گروه تاریخ-دانشکده ادبیات و علوم انسانی-دانشگاه لرستان-خرم اباد-ایران

خلاصه مقاله:

داریوش سوم (۳۳۶-۳۳۰ ق.م) آخرین شاه هخامنشی می باشد که دوره حکومت وی مصادف شد با حمله اسکندر مقدونی. داریوش نتوانست جلوی لشکر مقدونی یونانی را بگیرد و سرانجام در زمان این شاه سلسله هخامنشی منقرض شد. خود داریوش نیز بعد از فرار های مکرر از جلوی سپاه اسکندر، سرانجام توسط بسوس ساتراپ باکتریا (بلخ) و طرفداران پارسی او کشته می شود. روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی، تحلیلی و استفاده از منابع و مآخذ معتبر تاریخی می باشد. در این پژوهش فرض بر این می باشد که داریوش در مقابله با اسکندر و لشکر او دچار اشتباهات سیاسی و نظامی متعدد شده و در نبرد ها به جای اینکه جهت افزایش روحیه لشکریان خود مقاومت نماید، پا به فرار می گذاشت. بنابراین مشروعیت خود را در میان بسیاری از پارتیان از دست داد و آنها به فکر چاره می افتند. سرانجام بسوس و یارانش جهت نجات سلسله هخامنشی ابتدا داریوش را از سلطنت خلع نموده و دستگیر می نمایند و چون داریوش تلاش نمود خود را به اسکندر تحویل دهد، جهت جلوگیری از اسارت داریوش و بر باد رفتن آبرو و شان سلسله هخامنشی، مجبور به کشتن وی می شوند. بنابراین با توجه به نظریه فرهنگی میشل فوکو، داریوش که در ابتدا به خاطر شجاعت و لیاقت خود به پادشاهی انتخاب گردید، بعد از فرار های متعدد در نبرد ها، مشروعیت خود را نزد یاران خود از دست داده و کشته می شود.

کلمات کلیدی:

داریوش سوم، بسوس، باکتریا، مشروعیت، کشتن

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2003723>

